

تاریخ اسلام پس از وفات پیامبر (ص)

خلافت ابوبکر

پس از رحلت رسول اکرم (ص)، درحالی که امام علی (ع) به همراه نزدیک‌ترین یاران پیامبر (ص) به تدفین آن حضرت مشغول بودند، گروهی از انصار، دور یک‌دیگر جمع شدند و درصدد برآمدند تا یکی را از میان خود، به حکومت انتخاب کنند. آنان سفارش پیامبر (ص) در غدیر خم را نادیده گرفته بودند. خبر اجتماع این گروه به ابوبکر و عمر - که از مهاجرین و اصحاب رسول خدا بودند - رسید. آن دو نیز به محل اجتماع انصار رفتند و در مورد این که جانشینی پیامبر، حق مهاجرین است یا انصار، به گفت‌وگو پرداختند. ابوبکر درباره‌ی فضایل مهاجرین سخن گفت و درحالی که میان گروه‌های مختلف انصار خاطره‌ی اختلافات قبیله‌ای گذشته زنده شده بود، عده‌ای از حاضران با وی بیعت^۱ کردند. گروهی از مسلمانان این بیعت را پذیرفتند ولی گروهی دیگر به گفتار پیامبر (ص) در مورد خلافت امام علی (ع) پای‌بند بودند و خلافت را فقط حق آن حضرت می‌دانستند. بعضی از نزدیک‌ترین یاران پیامبر (ص) از جمله ابوذر و عمار جزو این گروه بودند.^۲

پس از آن که ابوبکر خلیفه^۳ شد، امام علی (ع) برای حفظ وحدت مسلمانان سکوت نمود.

خلافت عمر

ابوبکر در آخرین روزهای زندگی‌اش، عمر را به جانشینی خود منصوب کرد. در آن هنگام، مسلمانان در مرزهای ایران و روم در حال جنگ بودند. عمر پس از رسیدن به خلافت قوای کمکی را به یاری آنان فرستاد و برایشان فرماندهان جدیدی تعیین کرد.

شکست رومیان و تصرف شام - سپاهانی که به مرزهای روم فرستاده شده بودند، پس از یک رشته جنگ‌های سخت، رومیان را شکست دادند و با تعقیب آنان، سراسر شام را به تصرف خود

۱- بیعت به معنای دست دادن و منظور از آن بستن پیمان اطاعت است.

۲- بیروان امام علی (ع) را شیعه می‌گویند که این نام توسط پیامبر (ص) به آن‌ها نهاده شد و افرادی چون ابوذر و عمار از شیعیان اولیه می‌باشند.

۳- خلیفه به معنای جانشین است.

در آوردند. سپس لبنان و فلسطین را نیز فتح کردند. این پیروزی‌ها، راه را برای فتح سرزمین مصر (که از سرزمین‌های زیر سلطه‌ی رومیان بود) هموار ساخت. (به نقشه‌ی صفحه‌ی بعد نگاه کنید.)

شکست ساسانیان و فتح ایران — همان‌طور که گفتیم، گروهی از سپاه مسلمین در مرزهای ایران مشغول جنگ بودند. در اوایل خلافت عمر، مسلمانان با وجود پیشرفت‌های اولیه، در مقابل سپاه ساسانی، متحمل شکست‌هایی شده بودند؛ بنابراین، پس از شکست رومیان، تعداد زیادی از سپاهیان مسلمان به مرزهای ایران فرستاده شدند. چنان‌که در سال گذشته خواندید، در آن هنگام، یزدگرد سوم بر ایران حکومت می‌کرد. او سرانجام از مسلمانان شکست خورد.

اکنون با توجه به آن‌چه در سال گذشته آموخته‌اید، به این پرسش پاسخ دهید:

دلایل شکست ساسانیان از مسلمانان چه بود؟

آیا می‌دانید...

تعیین تاریخ هجری

در دوران خلافت عمر، عواملی چون گسترش قلمرو مسلمانان و افزایش تعداد آنان و نیز توسعه‌ی امور مالی و اداری حکومت، سبب شد که با صلاح‌دید امام علی (ع)، سال هجرت پیامبر (ص)، به‌عنوان مبدأ تاریخ مسلمانان برای همیشه تثبیت شود.

خلافت عثمان

عمر در آخرین روزهای زندگی خود، شورایی تشکیل داد تا خلیفه‌ی جدید را تعیین کند. امام علی (ع)، عثمان و عبدالرحمن بن عوف از جمله اعضای این شورا بودند.

عمر دستور داده بود فردی که بیشتر اعضای شورا به او رأی بدهند، خلیفه باشد. در صورت مساوی بودن تعداد آرا نیز، کسی خلیفه می‌شد که عبدالرحمن بن عوف با او موافق باشد. پس از سه روز بحث و گفت‌وگو سرانجام عبدالرحمن رو به امام علی (ع) کرد و گفت: با تو بیعت می‌کنم به شرط آن‌که به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) و روش دو خلیفه‌ی قبلی عمل کنی. امام علی (ع) فقط دو شرط عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) را پذیرفت. سپس عبدالرحمن رو به عثمان کرد و شرایط خود را تکرار کرد. عثمان همه‌ی شرایط را پذیرفت و خلیفه شد. در دوران خلافت وی، فتح نواحی باقی‌مانده‌ی ایران ادامه یافت. تنها سواحل جنوبی دریای خزر (گیلان و قسمتی از مازندران) به دلیل



وجود رشته کوه‌های بلند و جنگل‌های فراوان فتح نشد.

در اواخر خلافت عثمان (سال ۳۵ هجری) مردم مصر از رفتار حاکمی که عثمان به آن سرزمین فرستاده بود، ناراضی شدند؛ عده‌ای از آن‌ها به مدینه آمدند و شورشی علیه خلیفه برپا کردند. پس از مدتی ناراضیان کوفه و بصره نیز به مدینه آمدند و خانه‌ی عثمان را محاصره کردند. آنان می‌خواستند که خلیفه، مروان بن حکم^۱ را که منشی و داماد او بود و در همه‌ی امور دخالت می‌کرد برکنار کند، اما خلیفه از این کار خودداری می‌کرد. در نتیجه، بار دیگر اعتراض با تحریک افرادی چون طلحه و زبیر و عمرو عاص بالا گرفت و معترضان، خانه‌ی عثمان را محاصره کردند. امام علی (ع) برای جلوگیری از فتنه و آشوب، از معترضان خواست که آرامش خود را حفظ کنند اما جمعی از معترضان به خانه‌ی عثمان ریختند و او را به قتل رساندند.

۱- مروان بن حکم به دلیل انجام دادن کارهای ناشایست در زمان پیامبر، به دستور ایشان از جامعه‌ی مسلمانان طرد و اخراج شده بود.



صفحه‌ای از نخستین قرآن‌های مسلمین به خط کوفی

به خلافت رسیدن امام علی (ع)

پس از عثمان، بالاخره مردم بعد از ۲۵ سال به امام علی (ع) که در روز عید غدیر توسط پیامبر (ص) به رهبری مسلمانان منصوب شده بود روی آوردند و از او خواستند که خلیفه شود. آن حضرت در ابتدا از قبول خلافت خودداری نمود اما چون مردم بیشتر اصرار کردند، پذیرفت. طلحه و زبیر از اولین کسانی بودند که با امام علی (ع) بیعت کردند.

هنگامی که امام علی (ع) به خلافت رسید، جامعه‌ی مسلمین گرفتار مشکلات بسیاری بود. در طی چندین سال، سرزمین‌های وسیعی فتح شده و مردم بسیاری مسلمان شده بودند اما بعضی از عرب‌ها - برخلاف دستور اسلام - میان مسلمانان عرب و غیرعرب تفاوت می‌گذاشتند. هم‌چنین، با فتح سرزمین‌های وسیع، غنایم بسیاری نصیب مسلمانان شده بود اما با وجود دستور اسلام مبنی بر رعایت عدالت، عده‌ای به ناحق، املاک بسیار و ثروت‌های فراوانی برای خود جمع‌آوری کرده بودند. علاوه بر این، در بعضی از سرزمین‌های اسلامی، کسانی که صلاحیت حکومت مسلمانان را نداشتند، فرمانروایی می‌کردند. به همین جهت، امام علی (ع) حکمرانان نالایق را برکنار کرد. او همه‌ی مسلمانان - اعم از عرب و غیرعرب و فقیر و غنی - را یک‌سان می‌دانست.

اقدامات امام علی (ع)، بسیاری از مسلمانان را خوش حال کرد. ایرانیان نیز که جلوه‌ی کامل عدالت اسلامی را در شیوه‌ی حکومت ایشان می‌دیدند، بیش از پیش به آن حضرت علاقه‌مند شدند. در این میان، گروهی نیز از اقدامات امام ناراضی بودند. در درس بعد، با برخی از این افراد و مشکلاتی که برای امام علی (ع) فراهم ساختند، آشنا خواهید شد.

پرسش و جست‌وجو



- ۱- پیامبر اکرم (ص) در روز غدیر خم برای اداره جامعه اسلامی بعد از خود چه فرموده بودند؟
- ۲- چرا امام علی (ع) بعد از عمر به خلافت نرسید؟
- ۳- کدام قسمت از ایران در زمان خلافت عثمان فتح نشد؟ چرا؟
- ۴- امام علی (ع) هنگام پذیرش مقام خلافت، با چه مشکلاتی روبه‌رو بود؟ دو مورد را بنویسید.

خلافت امام علی (ع) و امام حسن (ع)

جنگ جَمَل

وقتی امام علی (ع) حکومت بر مسلمانان را پذیرفت، افرادی چون طلحه و زبیر دریافتند که با توجه به عدالت‌طلبی آن حضرت نمی‌توانند به خواسته‌های خود از جمله حکومت بر شهرهای مهم برسند، به بهانه‌ی زیارت خانه‌ی خدا از مدینه خارج شدند و به مکه رفتند. آنان در مکه عایشه، همسر پیامبر را نیز با خود همراه کردند.

طولی نکشید که عایشه، طلحه و زبیر با طرفدارانشان از مکه به بصره رفتند و در آن‌جا آماده‌ی جنگ با امام (ع) شدند. امام علی (ع) به ناچار با سپاهی از مدینه به سوی عراق حرکت کرد. هنگامی که امام علی (ع) به عراق رسید، کسانی را نزد عایشه و طلحه و زبیر فرستاد و آنان را به صلح دعوت کرد اما آن‌ها دعوت آن حضرت را نپذیرفتند و سرانجام، جنگ درگرفت. پس از یک نبرد شدید، سپاهیان امام علی (ع) پیروز شدند. در این جنگ عایشه بر شتری سوار بود؛ به همین دلیل، این جنگ را جنگ جَمَل (شتر) نامیده‌اند.

پس از جنگ جمل، امام به مدینه بازنگشت و شهر کوفه (در عراق) را مرکز خلافت خود قرار داد. شهر کوفه از نظر ارتباط با ایران و شام و حجاز موقعیت مناسبی داشت و چنانکه خواهیم دید امام علی (ع) به خصوص می‌خواست به شام نزدیک باشد.

جنگ صِفّین

در زمان خلافت عثمان، معاویه که به همراه پدرش ابوسفیان در هنگام فتح مکه مسلمان شده بود، حکومت شام را در دست داشت. او در آن‌جا مانند پادشاهان حکومت می‌کرد به همین دلیل امام علی (ع) او را از حکومت برکنار کرد اما او از دستور امام علی (ع) اطاعت نکرد. سپس با بخشیدن اموال عمومی مسلمانان، عده‌ای را طرفدار خود کرد. هم‌چنین مردم شام را فریب داد و آنان را تحریک کرد که باید انتقام خون عثمان را از امام علی (ع) گرفت! امام بارها از مخالفان خود خواست که قاتل یا قاتلان عثمان را معرفی کنند تا مجازات شوند، اما آنان جز اتهام واهی چیزی ارائه نمی‌کردند.

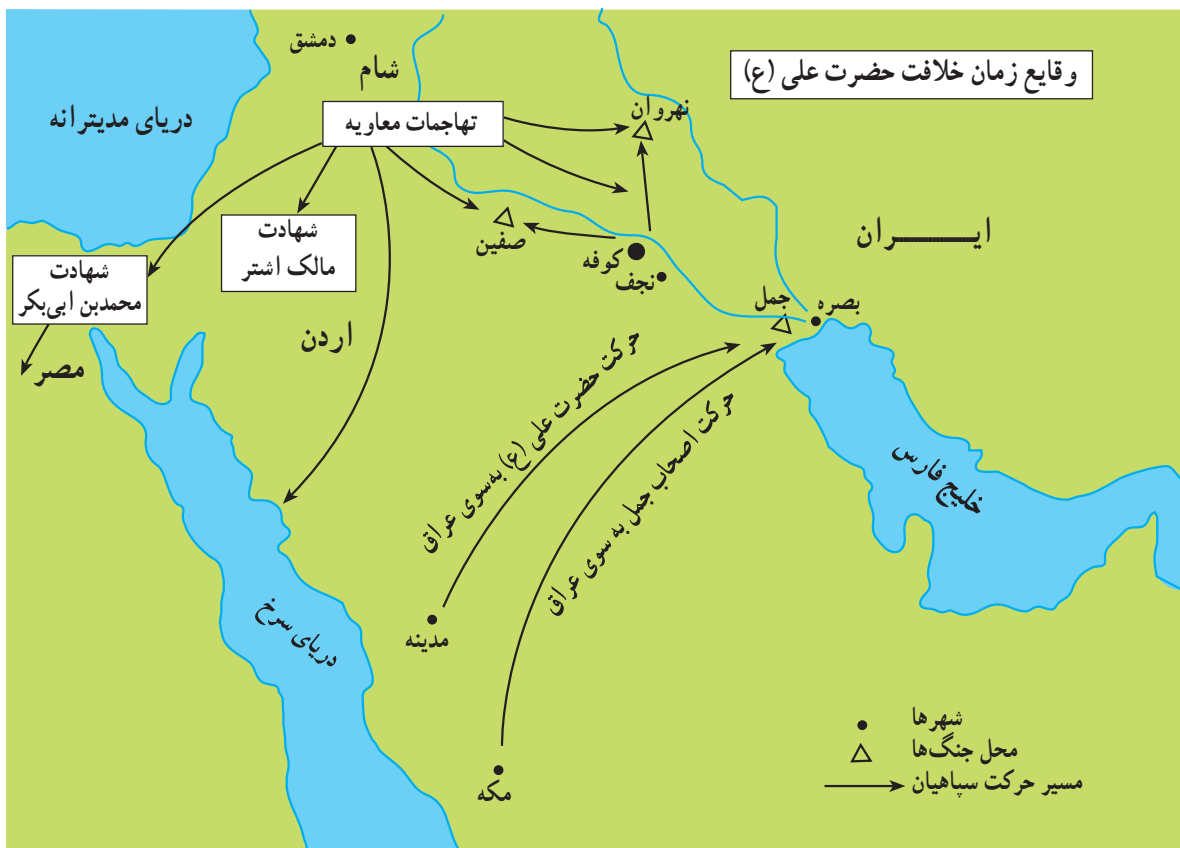
هدف اصلی معاویه، حکومت بر تمامی مسلمانان بود. او برای رسیدن به این مقصود، به هر کس وعده‌ای می‌داد؛ از جمله به عمروعاص حاکم سابق مصر که شخصی حيله‌گر بود، وعده داد که اگر به خلافت برسد، حکومت مصر را به او بازگرداند.

سرانجام معاویه تصمیم گرفت به کوفه حمله کند. امام علی (ع) نیز با سپاهیان خود به مقابله با او برخاست. دو سپاه در محلی به نام صفین به یک‌دیگر رسیدند. امام علی (ع) به امید هدایت گمراهان و اتمام حجت با معاویه، به سربازان خود دستور حمله نداد و برای جلوگیری از خون‌ریزی، با فرستادن نمایندگان سپاه شام را نصیحت کرد. پس از چندی، معاویه اعلام کرد که جنگ تنها راه حل است. بدین ترتیب، جنگ سختی در گرفت که چندین روز ادامه داشت و طی آن گروه زیادی کشته شدند. سپاهیان امام علی (ع) در این جنگ قهرمانانه نبرد کردند و سردار آنان، مالک اشتر، توانست سپاه معاویه را در آستانه‌ی شکست قرار دهد.

با دسیسه‌ی عمروعاص، سپاهیان معاویه قرآن را بر سر نیزه قرار داده و خواهان حکمیت شدند. اصرار امام علی (ع) و سردارش مالک اشتر برای ادامه‌ی نبرد و پایان دادن به فتنه‌ی معاویه نتیجه نداد و سرانجام عمروعاص و ابوموسی اشعری به ترتیب به‌عنوان حکم معاویه و امام علی (ع) انتخاب شدند. عمروعاص، ابوموسی را فریب داد و نتیجه‌ی حکمیت به سود معاویه تمام شد.

جنگ نَهروان

عده‌ای از سپاهیان امام علی (ع)، که خود از ابتدا بر حکمیت اصرار می‌ورزیدند نتیجه‌ی حکمیت را نپذیرفتند و بر همگان آشکار شد که ماجرای حکمیت حيله‌ای بیش نبوده است. در این زمان، همان گروه که ایشان را به قبول صلح و حکمیت مجبور ساختند، از لشکر آن امام خارج شدند. آنان پس از آن که از سپاه امام علی (ع) جدا شدند، به کارهای خلاف اسلام، از قبیل آزار و اذیت مسلمانان و قتل و غارت پرداختند. این گروه به دلیل خروج از فرمان امام و قیام علیه او به خوارج معروف شدند. امام علی (ع) با سپاهی برای جلوگیری از اقدامات خوارج حرکت کرد و در محلی به نام نهروان به آن‌ها رسید. با نصیحت امام (ع) عده‌ای از خوارج از سپاه خود جدا شدند و باقی‌مانده‌ی آن‌ها نیز که به سپاه امام علی (ع) حمله‌ور شده بودند، شکست خوردند. عده‌ای از آن‌ها کشته شدند و بقیه نیز به نواحی دوردست گریختند.



شهادت امام علی (ع)

پس از جنگ نهروان، امام علی (ع) تصمیم گرفت بار دیگر با معاویه نبرد کند و مشغول آماده کردن سپاه برای جنگ شد. اما در روز نوزدهم رمضان^۱ به دست یکی از خوارج به نام ابن مُلْجَم مرادی در مسجد مجروح شد و دو روز بعد (۲۱ رمضان) به شهادت رسید. بدین ترتیب جامعه‌ی اسلامی مردی را که در علم و تقوا، شجاعت و عدالت بی نظیر بود از دست داد. مردی که در زمان رسول خدا یار و یاور او بود و پس از آن نیز برای حفظ وحدت مسلمانان رنج‌های زیادی را تحمل کرد.



مرقد مطهر امام علی (ع) در نجف

خلافت امام حسن (ع)

امام حسن (ع) دومین امام شیعیان که پس از امام علی (ع) به خلافت رسید، نمونه‌ی تقوا و جهاد در راه خدا بود. او را شبیه‌ترین فرد خاندان پیامبر (ص) به رسول خدا دانسته‌اند. امام حسن (ع) در شجاعت کم‌نظیر بود و درگذشت و بردباری به پیامبر شباهت بسیار داشت. پس از شهادت حضرت علی (ع)، مردم با حسن بن علی (ع) بیعت کردند. امام حسن (ع) در نخستین روزهای خلافت، نامه‌ای به معاویه نوشت و او را از سرکشی منع فرمود. در عوض، معاویه لشکری فراهم کرد و آماده‌ی جنگ شد. امام حسن (ع) پس از آگاهی از این لشکرکشی، مردم را در مسجد جمع کرد و از آن‌ها خواست که خود را برای نبرد آماده کنند اما فقط تعداد کمی از آن‌ها پذیرفتند و آماده‌ی جنگ شدند. با این حال، امام (ع) سپاهی را به فرماندهی عبیدالله بن عباس برای مقابله با معاویه فرستاد.

صلح امام حسن (ع) با معاویه

معاویه با وعده‌ی پرداخت پول بسیار، عبیدالله بن عباس و چند تن دیگر از یاران امام حسن (ع) را طرفدار خود کرد؛ به طوری که بعضی از آنان قول دادند که امام حسن (ع) را به قتل برسانند. معاویه

هم چنین در همه جا اعلام کرد که خواهان صلح است و امام حسن (ع) نیز صلح را پذیرفته است. این اقدامات موجب اختلاف در سپاهیان امام حسن (ع) شد. بعضی از آنان که راحت طلب بودند یا فریب حيله‌های معاویه را خورده بودند، به ایشان اصرار می‌کردند که با معاویه صلح کند.

امام حسن (ع) نیز در شرایطی که بیشتر مردم کوفه را چنین جماعتی تشکیل می‌دادند و فقط گروه اندکی از یاران وفادارش باقی مانده بودند، ناچار شد پیشنهاد صلح معاویه را بپذیرد. سپاه امام در برابر لشکر معاویه - که بیست برابر بیشتر بودند - تاب مقاومت نداشتند. در صورت جنگ با معاویه، باقی مانده‌ی مسلمانان حقیقی از بین می‌رفتند و این به نفع معاویه بود. در نتیجه، امام حسن (ع) به خاطر مصلحت اسلام و نیز آشکار ساختن چهره‌ی واقعی معاویه، با شرایطی حاضر به صلح شد. از جمله‌ی این شرایط آن بود که معاویه حق ندارد برای خود جانشین تعیین کند و خود را امیر المؤمنین بنامد.

پرسش و جست‌وجو



- ۱- چرا پس از جنگ جمل، امام علی (ع) کوفه را مرکز حکومت خویش قرار داد؟
- ۲- چرا در جریان جنگ‌های صفین و نهروان، امام علی (ع) ابتدا دستور حمله نداد؟
- ۳- درباره‌ی زندگی عمرو بن عاص گزارشی در یک صفحه تهیه کنید.
- ۴- با توجه به آنچه در این درس و کتاب فارسی خوانده‌اید، ده صفت از صفات امام علی (ع) را برشمرید.

- ۵- چرا امام حسن (ع) ناچار به صلح با معاویه شد؟ و با چه شرایطی با او صلح کرد؟
- ۶- جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید :
- الف - سردار سپاه امام علی (ع) به نام توانست سپاه معاویه را در آستانه شکست قرار دهد.
- ب - امام علی (ع) به دست یکی از خوارج به نام مجروح شد و دو روز بعد به شهادت رسید.
- ج - سپاهیان امام علی (ع) در جنگ خوارج را شکست دادند.
- ۷- رابطه‌ی بین گزینه‌ها را پیدا کنید و با خطی به هم وصل کنید :

جنگ جمل	خوارج
جنگ صفین	عایشه و طلحه و زبیر
جنگ نهروان	معاویه

عبیدالله بن عباس

خلافت بنی امیه

معاویه خلافت را به سلطنت تبدیل می‌کند

معاویه با قبول تمامی شرایط امام حسن (ع) در سال ۴۱ هجری به خلافت رسید اما بلافاصله پیمان صلح را نادیده گرفت؛ از جمله بسیاری از شیعیان را به شهادت رسانید و ستم و تبعیض را در جامعه گسترش داد. چنین اقداماتی چهره‌ی واقعی او را آشکار کرد و همگان دریافتند که عدم اطاعت از امام (ع) چه نتیجه‌ای دارد. پس از مدتی، معاویه که همواره امام حسن (ع) را سدّ راه تحقق هدف‌های خود می‌دید، آن حضرت را مسموم کرد و به شهادت رسانید^۱. او که دیگر برای خود مخالفی تصور نمی‌کرد، روز به روز بر ظلم و ستم خویش بر مردم افزود. معاویه اموال عمومی مسلمانان را میان طرفداران و وابستگان خود تقسیم می‌کرد. او در پایتخت خود، شهر دمشق درباری مانند دربار پادشاهان به وجود آورده بود و به‌روش پادشاهان حکومت می‌کرد. یکی از آخرین اقدامات معاویه این بود که فرزندش، یزید، را به جانشینی خود تعیین کرد. حسین بن علی (ع)، امام سوم شیعیان با این‌گونه اقدامات معاویه به مخالفت برخاست.

حکومت یزید و قیام امام حسین (ع)

معاویه در سال ۶۰ هجری مُرد و پسرش، یزید، به جای او نشست. یزید مردی فاسد، شراب‌خوار و مخالف اسلام بود و امام حسین (ع) از همان آغاز، با او به مخالفت برخاست؛ به همین جهت، یزید نامه‌ای به حاکم مدینه نوشت و به او دستور داد که از امام حسین (ع) برای اطاعت از یزید، بیعت بگیرد و اگر بیعت را نپذیرفت، او را بکشد. حاکم مدینه در صدد اجرای دستور برآمد؛ در نتیجه، امام حسین (ع) با خانواده‌ی خود از مدینه به مکه رفتند. از سوی دیگر مردم کوفه نامه‌های فراوانی به آن حضرت نوشتند و از او خواستند به عراق برود. امام (ع) نیز با خانواده و یاران خود به سوی عراق حرکت کرد اما در نزدیکی

۱- امام حسن (ع) در قبرستان بقیع مدینه مدفون است.

کوفه، از پیمان شکنی مردم این شهر آگاه شد. در این هنگام، به دستور عبیدالله بن زیاد شخصی به نام حُرّ، امام حسین (ع) و همراهانش را زیر نظر گرفته بود.

کمی بعد، عبیدالله بن زیاد، یکی از سرداران خود به نام عمر بن سعد را با سی هزار نفر به صحرای کربلا فرستاد. به عمر بن سعد وعده داده بودند که اگر امام حسین (ع) را به شهادت برساند، حکومت ری را به او خواهند داد (در آن زمان ری از شهرهای بزرگ و مهم ایران بود)؛ به همین جهت، او امام و یارانش را محاصره کرد و آب را بر روی آنان بست. در طول این مدت، امام (ع) بارها با لشکر عمر بن سعد که بیشتر آنها از مردم کوفه بودند، صحبت کرد اما آنان که دنیا دوستی و گناه وجودشان را فرا گرفته بود، سخنان امام (ع) را نپذیرفتند.

حماسه‌ی عاشورا

در روز دهم محرم (عاشورا) سال ۶۱ هجری، درحالی که تنها ۷۲ تن از یاران امام باقی مانده بودند، جنگ آغاز شد. در آغاز جنگ، حُرّ که سخنان امام حسین (ع) او را آگاه ساخته بود، به امام (ع) پیوست و با سپاه یزید جنگید تا به شهادت رسید. جنگ در روز عاشورا از صبح تا بعدازظهر به طول انجامید. سرانجام، امام حسین (ع) و همه‌ی یاران آن حضرت که برای زنده نگاه داشتن دین اسلام دلاورانه نبرد می کردند، به شهادت رسیدند. در واقعه‌ی کربلا، حضرت عباس برادر امام حسین



تابلوی نقاشی از عصر عاشورا اثر استاد محمود فرشچیان

و علی اکبر فرزند آن حضرت به شهادت رسیدند. حتی سپاهیان یزید به علی اصغر، طفل شیرخواری او نیز رحم نکردند. در این زمان، امام حسین (ع) که همه‌ی یاران خود را از دست داده بود، یگه و تنها به سپاه دشمن حمله‌ور شد. سپاهیان یزید که از دلاوری و از جان‌گذشتگی آن حضرت هراسان شده بودند، پا به فرار گذاشتند و با دادن کشته‌های بسیار توانستند ایشان را به شهادت برسانند. امام حسین (ع) مظهر شجاعت و ایثار و سرور شهیدان اسلام است. آن حضرت با تحمل مصیبت‌های بسیار و ایثار خون خود، به‌همگان درس آزادگی و شجاعت آموخت و اسلام را زنده ساخت. سپاهیان یزید، پس از شهادت امام (ع) به خانواده‌ی ایشان حمله‌ور شدند و تمامی زنان و کودکان و علی بن حسین (ع)، امام چهارم شیعیان را که در بستر بیماری بود، به اسارت گرفتند و به شام نزد یزید فرستادند.

یزید شهادت امام حسین (ع) و یاران فداکارش را پیروزی بنی‌امیه بر خاندان پیامبر می‌دانست و از پیروزی ظاهری خود به شدت خوش حال بود اما حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) در دمشق با سخنرانی‌های کوبنده، حقیقت واقعی کربلا و چهره‌ی واقعی حکومت یزید را روشن کردند. به‌دنبال واقعه‌ی کربلا و روشنگری‌های خاندان علی (ع)، مسلمانان از ظلم و ستم بنی‌امیه آگاه شدند و در عراق و ایران و مکه و مدینه علیه آنان به‌پا خاستند. چندی بعد بنی‌امیه امام سجاد (ع) را نیز به شهادت رساندند.



مرقد مظهر حضرت امام حسین (ع) در کربلا



قبرستان بقیع

حکومت ظالمانه‌ی بنی‌امیه و قیام‌های مسلمانان

بنی‌امیه حاکمانی ستمکار بودند. آن‌ها بر سراسر سرزمین‌های اسلامی از جمله ایران حکومت می‌کردند و از مردم مالیات‌های سنگین می‌گرفتند و هرگونه مخالفتی را به شدت سرکوب می‌ساختند. در دوران حکومت بنی‌امیه، بسیاری از مسلمانان و به خصوص شیعیان، آزار و اذیت فراوانی را تحمل کردند؛ چنان‌که امام محمد باقر (ع) را به شهادت رساندند. در نتیجه قیام‌های زیادی بر ضد بنی‌امیه به وجود آمد. این قیام‌ها، حکومت بنی‌امیه را در آستانه‌ی سقوط قرار داد.

دشمنی اصلی بنی‌امیه، با خاندان پیامبر (ص) و دوستان آن‌ها بود. با وجود این، روز به روز بر تعداد شیعیان به خصوص در ایران افزوده می‌شد. سرانجام، به دلیل ستمگری و فساد بنی‌امیه، مسلمانان به مبارزه علیه آنان برخاستند. یکی از رهبران این مبارزه ابومسلم خراسانی بود. او با ادعای طرفداری از خاندان پیامبر (ص)، عده‌ی زیادی را دور خود جمع کرد. آن‌گاه، به جنگ با بنی‌امیه پرداخت و مروان، آخرین خلیفه‌ی اموی را شکست داد. مروان هنگام فرار کشته شد و حکومت بنی‌امیه منقرض گردید.^۱

علل سقوط بنی‌امیه

علل سقوط بنی‌امیه را می‌توان در چهار محور زیر خلاصه کرد:

- ۱- آشکار شدن چهره‌ی ضداسلامی بنی‌امیه، در پی شهادت امام حسین (ع)
- ۲- ستمگری و بی‌عدالتی بنی‌امیه

۱- در سال ۱۳۲ هجری

۳- نژادپرستی بنی‌امیه و تحقیر مسلمانان غیرعرب

۴- ناتوانی در اداره‌ی قلمرو وسیع



پرسش و جست‌وجو



۱- جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید :

الف - یکی از جنایات معاویه این بود که مسموم کرد.

ب - یکی از رهبران مبارزه علیه بنی‌امیه بود که مروان را شکست

داد.

۲- به دنبال وقوع چه جریانی، مردم شخصیت واقعی معاویه را شناختند؟

۳- دو علت سقوط بنی‌امیه را بنویسید.

۴- درباره‌ی سرنوشت کسانی که امام حسین (ع) و یارانش را به شهادت رساندند، تحقیق کنید

و نتیجه را به کلاس ارائه دهید.

۵- از نهضت عاشورا چه درسی می‌گیرید؟

خلافت بنی عباس

چگونگی تأسیس حکومت عباسی

پس از بنی امیه، بنی عباس به قدرت رسیدند^۱. آنان از مخالفان بنی امیه بودند. بنی عباس در میان مردم شهرت چندانی نداشتند و تنها با حيله گری توانستند به حکومت برسند. آنان برای رسیدن به حکومت، نمایندگانی را به نقاط گوناگون از جمله خراسان فرستادند که معروف ترین آن‌ها ابو مسلم بود. این نمایندگان به هر جا می‌رفتند، مردم را به قیام برای به حکومت رساندن یکی از افراد خاندان پیامبر (ص) دعوت می‌کردند اما نمی‌گفتند که منظورشان چه کسی است. بدین ترتیب، دوستان خانان پیامبر (ص) و دیگر مخالفان بنی امیه – که اکثراً از ایرانیان بودند – به آنان پیوستند. پس از آن که قیام علیه بنی امیه به پیروزی رسید، عباسیان به مردم فرصت انتخاب و تصمیم‌گیری ندادند و بلافاصله به جای آن‌ها نشستند. نخستین کسی که از عباسیان به خلافت رسید، سفاح بود.

منصور حکومت عباسیان را قدرتمند می‌کند

پس از سفاح، برادرش، منصور، به قدرت رسید. در آن هنگام، مردم به دلیل ظلم و ستم سفاح به سرعت از عباسیان ناراضی شده بودند. منصور در ابتدا، چون از قدرت ابو مسلم می‌ترسید، او را با حيله و ناجوان مردانه به قتل رسانید. به دنبال قتل ابو مسلم، عده‌ای از ایرانیان به خون‌خواهی او به قیام‌هایی دست زدند اما با شکست مواجه شدند. بیشتر این قیام‌ها در خراسان روی می‌داد. در ابتدا مردم به این قیام‌ها پیوستند اما چون رهبران آن‌ها ادعاهایی خلاف اسلام نمودند، از گرد آن‌ها پراکنده شدند و سپاهیان عباسی توانستند همه‌ی این قیام‌ها را سرکوب کنند. عباسیان با این که می‌دانستند امامان شیعه، شایسته‌ی حکومت بر مسلمانان هستند، شروع به قتل و آزار آنان کردند. امام جعفر صادق (ع) که در اوایل حکومت بنی عباس زندگی می‌کرد، توانست در ادامه‌ی راه پدر بزرگوارش، امام محمد باقر (ع)، شاگردان بسیاری را برای گسترش اسلام واقعی تربیت کند. بنی عباس که وجود

ایشان را مانعی بر سر راه حکومت خود می‌دانستند، آن حضرت را به شهادت رساندند. یکی از مهم‌ترین کارهای منصور بنای شهر بغداد بود. او این شهر را مرکز خلافت عباسیان قرار داد.

هارون الرشید، مشهورترین خلیفه‌ی عباسی

پنجمین خلیفه‌ی عباسی هارون الرشید نام دارد. او مشهورترین خلیفه‌ی عباسی است. در زمان هارون الرشید قدرت عباسیان افزایش یافت. علت اصلی قدرتمندی حکومت عباسیان در این زمان، آن بود که خاندانی ایرانی به نام برمکیان اداره‌ی امور حکومت را در دست داشتند. برمکیان از خاندان‌های قدیمی ایرانی بودند و وزارت هارون الرشید را داشتند. آن‌ها به تدریج چنان قدرتمند و مشهور شدند که خلیفه‌ی عباسی را عملاً به یک مقام تشریفاتی تبدیل کردند. این امر، هارون الرشید را نگران ساخت و او به یک‌باره همه‌ی آنان را قتل عام یا زندانی کرد. قتل عام برمکیان، عباسیان را دچار مشکلات فراوان ساخت؛ زیرا آنان خود توانایی اداره‌ی امور کشور را نداشتند.

به تدریج شمال افریقا از دست عباسیان خارج شد و در ایران نیز ناآرامی‌هایی روی داد. شیعیان نیز از عباسیان ناراضی بودند؛ در این میان، هارون الرشید که می‌ترسید این مبارزات گسترده‌تر شود، امام موسی کاظم (ع) را زندانی کرد و سپس به شهادت رسانید.





برج دیده‌بانی در سامرا (عراق)
معروف به ملویه (پیچ در پیچ) مربوط
به دوره عباسیان

اختلافات داخلی عباسیان و به خلافت رسیدن مأمون

هارون الرشید فرزندش، امین را به جانشینی خود برگزید و فرزند دیگرش، مأمون، را ولیعهد امین و حاکم خراسان گردانید. پس از مرگ هارون، امین در بغداد به خلافت نشست. مأمون نیز ولیعهد او و حاکم خراسان بود. پس از چندی، میان این دو، اختلاف افتاد. مأمون برای مقابله با امین، تصمیم گرفت که حمایت ایرانیان را جلب کند و در مقابل، خاندان عباسی نیز از امین حمایت کردند. سرانجام، میان دو برادر جنگ درگرفت و طاهر، سردار ایرانی مأمون، توانست سپاه امین را شکست دهد و پس از فتح بغداد او را به قتل برساند. بدین ترتیب، مأمون به خلافت رسید. او برای آن که طرفدارانی به دست آورد، با توجه به این که ایرانیان به امامان شیعه علاقه مند بودند، امام رضا (ع) را به اجبار از مدینه به خراسان آورد و ولیعهد خود ساخت. هدف‌های دیگر مأمون از این اقدام، زیرنظر گرفتن امام رضا (ع) و جلوگیری از قیام‌های شیعیان بود، اما به هیچ‌یک از اهداف خود نرسید. به همین دلیل، امام را به شهادت رساند. سه امام بعدی یعنی امام جواد (ع)، امام هادی (ع) و

امام حسن عسکری (ع) نیز به مخالفت با سیاست‌های نادرست عباسیان ادامه دادند. خلفای عباسی هم آن‌ها را زندانی کرده و سرانجام به شهادت رساندند. در چنین شرایطی بود که به خواست خداوند امام مهدی (ع) از نظرها غایب شد.

عباسیان پس از مأمون ضعیف می‌شوند

پس از مأمون، اگرچه عباسیان بیش از چهارصد سال حکومت کردند و ده‌ها تن از آنان در بغداد بر تخت نشستند اما دیگر نتوانستند قدرت اولیه‌ی خود را به‌دست آورند. سرانجام، با تصرف بغداد به دست مغولان حکومت عباسیان منقرض شد.

دلایل ضعف عباسیان عبارت بود از:

- ۱- ظلم و ستم و دوری از اسلام: عباسیان حکومت را با نیرنگ و فریب به‌دست آوردند و با ظلم و ستم و سرکوب مردم، آن را حفظ کردند.
- ۲- قیام‌های متعدد: از اوایل تشکیل دولت عباسی، گروه‌های گوناگون در نواحی دور و نزدیک، با آنان به مخالفت پرداختند. حتی بسیاری از سرداران خلیفه نیز به امید به‌دست گرفتن حکومت، شورش کردند.



مرقد مطهر امام هادی(ع) و امام حسن عسکری(ع) در سامرا



مرقد مطهر امام موسی کاظم(ع) و امام جواد(ع) در کاظمین



مرقد مطهر امام رضا(ع) در مشهد مقدس

۳- بی‌کفایتی خلفا: بسیاری از خلفای عباسی، افرادی بی‌لیاقت بودند. آن‌ها امور حکومتی را رها کرده بودند و تمامی وقت خود را به عیش و نوش می‌گذراندند.

۴- تجزیه‌ی قلمرو عباسیان و استقلال یافتن کشورهای تابع این حکومت: با شروع اختلافات داخلی عباسیان، در نواحی مختلف جهان اسلام حکومت‌هایی به وجود آمد. این حکومت‌ها در ابتدا تابع خلیفه بودند اما به تدریج قوی و مستقل شدند. به این ترتیب، قدرت عباسیان تا حد زیادی کاهش یافت.

پرسش و جست‌وجو



۱- شگرد تبلیغاتی عباسیان برای به دست گرفتن قدرت چه بود؟

۲- شهر بغداد در زمان کدام خلیفه بنا شد؟

۳- چرا قتل عام برمکیان دولت عباسیان را به مشکلات فراوان دچار کرد؟

۴- به نظر شما، چرا عباسیان با امامان شیعه دشمنی داشتند؟

۵- جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید :

الف - امام موسی کاظم (ع) به دستور زندانی شد و سپس به شهادت رسید.

ب - در زمان هارون الرشید وجود خاندانی ایرانی به نام امور حکومت را در

دست داشتند.

۶- هدف مأمون از انتخاب امام رضا (ع) به ولیعهدی چه بود؟

۷- درباره‌ی علت اختلاف مأمون و امین تحقیق کنید و نتیجه را در یک یا دو صفحه بنویسید.

۸- ایرانیان در تحولات عصر عباسیان چه نقشی داشتند؟

۹- رابطه‌ی بین گزینه‌ها را پیدا کنید و با خطی به هم وصل کنید :

خلیفه‌ی مقتول

امین

قتل ابومسلم

مأمون

انتخاب امام رضا (ع) به ولیعهدی

هارون الرشید

منصور